



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

حوزه علمیه کوثر شهرستان کاشان

ویرایش

سوم

پنجاه اصل مهم در تحقیق

با تکیه بر تحقیق پایانی

تدوین و تنظیم:

معاونت پژوهش سطح (۲) حوزه علمیه کوثر

آبان ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

عالم ربانی و فقیہ صدیقی

حضرت آیت اللہ حاج سید محمد یثربی

- قدس اللہ نفسہ الزکیہ -

امیر المؤمنین حضرت علی بن ابی طالب علیہ السلام می فرمایند:

«عقول الفضلاء فی أطراف أقلامها»

خردورزی فریختگان بر کرانه‌ی قلم ایشان جلوه گر است.»

غزرا حکم و درر الکلم، ص ۴۶۷

مقدمه

در میان همه وظایفی که طلب علم دینی دارند، تحقیق و پژوهش، برجستگی و تأثیرگزاری خاصی دارد؛ چرا که مبلغ موفق، نویسنده توانا، مشاور متبحر، خطیب زبردست، مدرس ماهر، همه و همه؛ توفیق کارشان بر تحقیق و مطالعه استوار است و سرمایه کارشان را از این راه فراهم می‌سازند. لذا آشنایی طلب با روش تحقیق علمی و اصول و قواعد آماده سازی متون تحقیقی (مقاله، پایان نامه، کتاب، ...) امری بایسته و در خور توجه است.

نوشتار حاضر، حاصل مطالعه، کار پژوهشی، تجربیات و بالأخره تدریس در کلاس‌ها و کارگاه‌های متعدد و مختلف روش تحقیق، مقاله‌نویسی، پایان نامه‌نویسی است.

هدف، توجه به نکات کلیدی در قالب بیان ارکان یک تحقیق علمی و اصول (بایدها و نبایدهای) نوشتن آن است. طلب گرامی در همه سطوح حوزه‌های علمیه (خواهران و برادران) امکان بهره‌مندی از آن را دارند و به اختصار، اصلی‌ترین مطالب را برای تهیه یک پژوهش علمی، فرا می‌گیرند. با اهداء سلام به روح ملکوتی عالم خبیر و خدوم، استاد عالیقدر حضرت آیت الله یثربی-اعلی

الله مقامه- و تجلیل از زحمات سایر استادان بزرگوارم؛ از مدیریت محترم حوزه علمیه کوثر، همچنین معاونت پژوهش این حوزه، سپاسگزاری می کنم. امید است این فعالیت، مقبول نظر اهل فضل واقع گردد؛ رضایت پروردگار مهربان و عنایت حضرت صاحب الأمر عَلَيْهِ السَّلَام را جلب نماید و شکرانه توفیق الهی در این امر، محسوب گردد.

احسان اصولی

شوال المکرم ۱۴۳۶

تحقیق پنج رکن دارد: انتخاب موضوع، تبیین موضوع و بیان مسئله، بررسی پیشینه (بررسی منابع)، مراجعه به منابع و فراهم آوری داده‌ها (یادداشت برداری)، تدوین تحقیق.

رکن اول: انتخاب موضوع تحقیق

با رعایت ذوق و علاقه و توانایی محقق و با بهره‌گیری از نظر استاد راهنما و نیاز جامعه و پیشنهاد دیگر محققان، مشخص می‌شود.

اصل اول: موضوع باید جزئی و مسئله‌محور بوده، تکراری نباشد. مورد علاقه محقق باشد و با توان تحقیقی، امکانات و شرایط او سازگار باشد. در جزئی بودن موضوع، دقت شود که توان فراهم کردن یک تحقیق علمی با حجم و کیفیت مناسب را از محقق نگیرد.

رکن دوم: تبیین موضوع

تبیین موضوع از بقیه ارکان تحقیق، مهم‌تر است. یکی از جدی‌ترین اشکالات به تحقیق‌پایانی این است که تبیین موضوع، درست انجام نشود. وقتی تبیین درست نباشد، محقق چارچوب را مشخص نکرده است. وقتی نوشته، چارچوب ندارد، محقق نمی‌داند به چه منابعی مراجعه کند، در تحقیق چه بیاورد و چه

نیاورد. اما اگر تبیین، خوب و دقیق انجام شود، بقیه کار تحقیق هم خوب انجام می‌شود.

تبیین موضوع، شامل بیان چپستی موضوع، ابعاد و قلمرو موضوع است.

اصل دوم: آنچه نباید در تبیین آورده شود:

۱- در پاسخ به چپستی موضوع، ساختار و فهرست مطالب تحقیق نیاید. باید مراقب بود تا خود موضوع شرح داده شود. به عبارت دیگر، باید مسأله تحقیق -که دغدغه محقق است- روشن شود.

۲- ترجمه لغات را نباید آورد، مگر کلمه‌ای باشد که اگر مفهوم درستی از آن تبیین نشود، مخاطب نمی‌تواند محقق را همراهی کند. مثلاً در موضوع «مراقبت‌های اخلاقی مادر در دوره کودکی فرزند» باید موارد بسیاری تبیین شود. از جمله اینکه: مراقبت‌های اخلاقی مدنظر است یا مراقبت‌های اخلاقی تربیتی؟ منظور از دوره کودکی، کدام دوران است؟

۳- در تبیین به مفردات موضوع کار نداریم؛ به ترکیب مفردات (موضوع) کار داریم، گرچه گاهی توضیح بیشتر لغت، لازم است.

اصل سوم: در بیان ابعاد موضوع، محقق باید مشخص کند کدام یک از ابعاد، مورد بحث و تحقیق اوست؛ اعتقادی، تاریخی، یا سیاسی، یا اجتماعی، یا تربیتی یا ... همچنین باید قلمرو کار را مشخص کند؛ موضوع را از دید شیعه، سنی، آیات، روایات بررسی می‌کند، یا مثلاً کار مقایسه‌ای و تطبیقی بین اینها است.

اصل چهارم: برای آن که تبیین موضوع، به درستی و کمال خود برسد، محقق باید پس از یک مطالعه اجمالی درباره آن، هر سؤالی که درباره آن به ذهنش می‌رسد یا مطرح است، یادداشت کند و سپس پاسخ‌های خود را به آن‌ها بنویسد و از این راه، ماهیت موضوع و ابعاد آن را برای مخاطب نیز بیان کرده، روشن نماید.

رکن سوم: بررسی پیشینه (بررسی منابع)

پیشینه، رکن است؛ چراکه اگر محقق احاطه و سلطه کافی به منابع نداشته باشد، نمی‌تواند چارچوب و ساختار بندی تحقیق را درست انجام دهد. این احاطه می‌تواند به چارچوب بندی، انتخاب روش و سیر تحقیق، خیلی کمک کند.

حداقل سه عنصر را در بررسی پیشینه مورد توجه قرار می‌دهند.

در قالب چند اصل، این عناصر بیان می‌شود:

اصل پنجم: عنصر اول، بررسی اهم منابع موجود است که ارتباط مستقیم با موضوع دارند. پیشینه نباید فهرست منابع شود بلکه اهم منابع یعنی ۴ تا ۵ منبع مهم‌تر باید مورد توجه باشد. قید «موجود» یعنی منابعی که هست، اگرچه در تحقیق استفاده نشده یا در دسترس نبوده است. ممکن است منابع مهم، کتاب، پایان‌نامه یا مقاله باشد. در پیشینه باید منابع «ارتباط مستقیم با موضوع» داشته باشد؛ بنابراین منابع دست اول، الزاماً در پیشینه نمی‌آید. چون ممکن است منابع دست اول، ارتباط مستقیم با موضوع داشته باشند یا نداشته باشند. کتب تفسیر با موضوع تربیتی، روان‌شناختی یا اخلاقی ارتباط مستقیم ندارد. اگر برای موضوع اخلاقی، از کتاب «المحجّه البیضاء فی تهذیب الإحیاء» استفاده شده، هم منبع مرتبط با موضوع است و هم منبع دست اول. کتاب «اخلاق ناصری» از خواجه نصیرالدین طوسی، منبع دست اول در اخلاق و مرتبط با موضوع اخلاقی است.

اصل ششم: عنصر دوم، نقد منابع اهم از جهت رویکرد، روش و شیوه پردازش. رویکرد: یعنی نوع نگاه و زاویه نگاه، که می‌تواند فقهی، سیاسی، تاریخی، اعتقادی و یا اخلاقی باشد.

مثال: ۱- اگر موضوع «ابعاد مظلومیت حضرت فاطمه علیها السلام» است و از کتاب «رنج‌های حضرت زهرا علیها السلام» استفاده شود، باید در نقد آن نوشت: اگرچه کتاب مرتبط است، اما در اثبات مصائب حضرت است، نه بیان ابعاد مظلومیت. ۲- اگر موضوع «اشتغال زن» است، کتاب «نظام حقوق زن» تألیف شهید مرتضی مطهری، در مقام پاسخ به مقالات نشریه آن زمان بوده است و در برخی موارد به اشتغال زنان و آفت آن پرداخته است.

اصل هفتم: عنصر سوم در پیشینه، بیان نسبت تحقیق حاضر با منابع است. در پیشینه، باید مشخص شود آیا کارهای تحقیقی مشابه موضوع انجام شده است یا نه؟ اگر کاری انجام شده، نسبت آن با کار تحقیقی حاضر چیست؟ یعنی آن منبع اهم چه نسبتی با این تحقیق‌پایانی دارد. زاویه نگاه، روش پردازش مطالب، ساختار تحقیق و حیطه بحث شما چه خصوصیات دارد؟

عنصر چهارم، تاریخچه موضوع است که بعضی معتقدند باید در آغاز پیشینه بیاید.

رکن چهارم: مراجعه به منابع و فراهم آوری داده‌ها (یادداشت برداری)

اصل هشتم: حتی‌المقدور منابع تحقیق، دست اول باشد. دست اول بودن منابع به اعتبار آن‌ها بستگی دارد نه مطالب آن‌ها.
اعتبار منابع به نسبت، در این موارد است:

۱- **قدمت اثر:** بین کتاب «بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار» و «کافی» کتاب دوم، قدمت بیشتری دارد؛ چراکه در نزدیک‌ترین زمان به عصر غیبت صغری نگاشته شده است. کتب شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق نیز چنین وضعی دارند.

۲- **اعتبار صاحب اثر:** کسانی همچون علامه مجلسی، فیض کاشانی، علامه حلّی و سید رضی (صاحب نهج البلاغه) از اعتبار علمی زیادی برخوردارند. فخر رازی نسبت به رشید رضا صاحب تفسیر المنار، در بین مفسران اهل سنت، اعتبار بیشتری دارد.

۳- **اعتبار اثر به مناسبت ارتباط با موضوع:** مثل کتاب «المفردات فی غریب ألفاظ القرآن» از راغب اصفهانی، «الذریعه إلى تصانیف الشیعه» از مرحوم

آقابرگ تهرانی و کتاب‌های «اسلام و مقتضیات زمان» و «خدمات متقابل اسلام و ایران» اثر شهید مطهری.

مقالات و کتب دربارهٔ موضوعات جدید، مانند کتاب در نقد فرقه‌های نوظهور، در ردیف منابع دست اول موضوع جدید قرار می‌گیرد.

اصل نهم: با تفکر صحیح، تمام جوانب کار در نظر گرفته شود، یعنی اگر چند صفحه مطلب جمع‌آوری شد، اکتفا به آن نشود. محقق باید همهٔ جوانب بحث را ببیند و نگوید استاد راهنما نگفته است. در یادگیری بیش از ۸۰٪ کار دست متعلم (یادگیرنده) است و ۱۵ تا ۲۰٪ با معلم است.

اصل دهم: به هر مطلبی مراجعه می‌شود، قبل از نوشتن آن در فیش و یادداشت‌برداری، باید سند آن را (همراه با مشخصات کامل اثر) در فیش مطالب نوشت. نام کامل اثر لازم است؛ مثال: ۱- به جای فقط «بحار» یا «بحار الأنوار» نوشته شود: «بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار». ۲- به جای «وسائل» یا «وسائل الشیعه»: «تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه». ۳- به جای «محجّه البیضاء» نوشته شود: «المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء». همچنین مشخصات کامل منابع فارسی، عربی و ترجمه‌دار،

یادداشت شود. حتی اگر از چند نسخه «نهج البلاغه» استفاده شود، مشخصات کامل آنها و مترجم هر کدام نوشته شود. در مراجعه به فضای مجازی، نام کامل سایت و تاریخ مراجعه به آن حتماً نوشته شود.

اصل یازدهم: نحوه نقل قول و نوع یادداشت برداری، در فیش مطالب بیاید، تا بعداً محقق در تدوین، به مشکل برنخورد.

- نقل قول مستقیم: اگر نقل قول مستقیم کمتر از ۳ سطر باشد باید داخل گیومه «» و همانند قلم متن تحقیق آورده شود. اگر نقل قول مستقیم بیش از ۳ سطر باشد باید بدون گیومه، ریزتر از قلم متن و با تورفتگی بیشتر از متن آورده شود (متن نقل قول مستقیم، چپ‌چین شود).

- تلخیص یعنی حذف زوائد. محقق در تلخیص با زبان (قلم) اصلی، فشرده مطالب منبع را به تحقیق خود منتقل می‌کند، یعنی مثلاً ۱۰ صفحه از منبع را که مطالعه کرده‌است به صورت فشرده و با قلم منبع در ۲ صفحه خلاصه کرده و می‌نویسد.

- اقتباس به معنی برگرفتن و برداشت از مطلب. محقق در اقتباس با زبان (قلم) خود، فشرده مطالب منبع را به تحقیق خود منتقل می‌کند، یعنی مثلاً ۱۰

صفحه از منبع را مطالعه می‌کند و پس از درک مطلب، آنچه را که متوجه شده است با قلم خود به تحقیق منتقل می‌کند.

رکن پنجم: تدوین تحقیق

اصل دوازدهم: مستند و مستدل بودن مطالب ← آنچه در تحقیق نوشته می‌شود باید پشتوانه علمی داشته باشد، یعنی هم استناد باید علمی باشد و هم استدلال باید علمی باشد. اگر از خود محقق است، مستدل باشد و اگر منقول از دیگری است، مستند. مطلب بدون سند و دلیل، در تحقیق جایگاهی ندارد. محقق باید بر تحقیقی که می‌نویسد هم از جهت علمی مسلط باشد، هم بداند چه می‌نویسد و هم کلمات متن، برگزیده باشد و هم بتواند از آن دفاع کند. این موارد باید تا پایان همه مراحل تحقیق، مد نظر باشد.

همچنان که مطالب شعاری یا محاوره‌ای و عامیانه، نباید در تحقیق علمی استفاده شود.

اصل سیزدهم: انسجام درونی مطالب ← اگر برای تعریف یک واژه، یا برای نقل چند نظریه و آراء گوناگون در یک مطلب، از ده کتاب هم مطالبی نقل می‌شود که در موضوع با هم مرتبط هستند، باید منسجم باشند و یک مطلب،

دیگری را نقض نکند. در این موارد، بهتر است محقق توضیحی را اضافه کند تا مخاطب دچار سردرگمی نشود.

اصل چهاردهم: منطقی بودن سیر مباحث ← یعنی هر مطلبی در جای خودش قرار گیرد. مثلاً در تحقیق دینی، اول به آیات بپردازد سپس روایات را بیان کند. اگر موضوعی روان‌شناختی، مورد تحقیق است، ابتدا موضوع را از نظر اسلام بررسی کند، سپس موضوع از دیدگاه روان‌شناسان بررسی شود.

- اگر بناست آثار یک موضوع بررسی شود، باید پس از مبانی، اصول، مفاهیم و مراتب آن بیاید. یا آفات باید پس از آثار بیاید.

- مراتب یک موضوع یا درجات آن (مثلاً تقوی) باید ضمن مفهوم‌شناسی و مفهوم آن باید قبل از مبانی و اصول مربوط به آن بیاید. بررسی ابعاد یک امر (مثلاً تربیت) باید پس از مفهوم آورده شود.

اصل پانزدهم: جمع‌آوری مطالب در چارچوب موضوع تحقیق ← یعنی مطالب در چارچوب باشد نه اینکه همه مطالب منبع، کامل منتقل شود. باید دید اقتضای موضوع و مسئله چیست. محقق موظف است در چارچوبی که تنقیح کرده، مطالب را بیاورد و اگر مطلبی مرتبط را در تحقیق نیاورد، در دفاعیه

سؤال می‌کنند چرا نیاورده است. اگر نباید حاشیه‌روی کرد، به همان اندازه هم باید در چارچوب، کار کرد. البته نباید به همان مطلب منبع اکتفا شود؛ محقق باید سعی کند در نقل و بیان مطلب، صاحب ابتکار و تحلیل باشد. این کار، نیاز به تفکر و تدبّر دارد.

اصل شانزدهم: رعایت تناسب در قسمت‌های مختلف تحقیق ← این اصل بعد از فیش‌برداری و در هنگام تدوین تحقیق باید رعایت شود. تناسب به معنی تساوی نیست؛ مثلاً نباید یک فصل تحقیق ۵۰ صفحه و فصل دیگر ۲۰ صفحه باشد.

اصل هفدهم: در تدوین متن، آغاز و پایان مطالب فصل یا بخش، با قلم خود محقق باشد. یعنی در آغاز بحث، مقدمه و در آخر بحث، نتیجه‌گیری از مطلب داشته باشد. شروع و ختم بحث، با نقل قول یا بیانِ صرفِ آیه و روایت نباشد.

اصل هجدهم: استفاده از نقل قول مستقیم در تحقیق، باید به حداقل برسد. الزام به آوردن قول مستقیم در تحقیق، فقط در موارد خاص است؛ مانند :

الف) عین آیه، روایت یا سخن شخصیتی بزرگ یا جمله‌ای خاص، مانند: ۱- حضرت امام علیه السلام فرمودند: «عالم محضر خدا است؛ در محضر خدا معصیت

نکنید^۱». ۲- جمله معروف: «حجاب مصونیت است، نه محدودیت» از شهید مطهری، که البته مستفاد از فرمایش ایشان است!

(ب) مطلب یا نظریه‌ای که اگر کم یا زیاد شود، ناقص و مبهم می‌شود.

اصل نوزدهم: ارجاع مطالب (پاورقی‌ها) باید مطابق آیین‌نامه باشد. از سوی دیگر، چند صفحه بدون ارجاع، پشت سرهم، پذیرفتنی نیست. همچنان که ارجاع چند صفحه‌ی پیاپی به یک منبع، زینده‌ی پژوهش علمی نیست.

اصل بیستم: اگر محقق، مطلبی را از منبع دست اول ندید، ولی در منبعی دیگر بود، نمی‌تواند آن را به منبع دست اول ارجاع دهد؛ بلکه باید به منبعی که مطلب را در آن دیده، ارجاع دهد و مشخص کند که در آن جا به نقل از منبع دست اول آمده است. مانند:

محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۵۹، بیروت، دار احیاء التراث الإسلامیه، ۱۳۹۶ ه.ق، ج ۳۲، ص ۲۵۶ به نقل از مرتضی مطهری، مسئله حجاب، چ بیستم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸، ص ۶۴.

^۱ - مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، ج ۷، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷، ص ۲۱.

یا به این صورت ارجاع می‌شود ← مرتضی مطهری، مسئله حجاب، چ بیستم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸، ص ۶۴ به نقل از محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، چ ۵۹، بیروت، دارإحياء التراث الإسلاميه، ۱۳۹۶هـ.ق، ج ۳۲، ص ۲۵۶.

اصل بیست و یکم: عناوین بخش، فصل و عنوان‌های فرعی نباید جمله باشد؛ چه جمله پرسشی یا جمله خبری؛ بلکه باید تیتروار باشد. مثلاً عنوان "عواملی که باعث آرامش می‌شود." جمله است و باید اینگونه باشد: عوامل آرامش انسان.

همچنین عناوین فصل، گفتار و عنوان‌های فرعی نباید با عنوان تحقیق یکسان باشد.

اصل بیست و دوم: برای عنوان، کوتاه‌ترین کلمات استفاده شود و عنوان، مبهم نباشد. عنوان (فواید راستگویی و صداقت در زندگی انسان) را می‌توان اینگونه نوشت: (فواید راستگویی در زندگی انسان).

اصل بیست و سوم: مطالب متن، دقیقاً باید با عنوان مطلب تناسب داشته باشد. همچنان که هر عنوانی که دارای زیرمجموعه‌های متعدد است، باید

تناسب متقابل با زیرعنوان‌های خود داشته باشد. (به تعبیر منطقی: رابطه مَقَسَم با اقسام و رابطه اقسام با یکدیگر، ملاحظه شود).

اصل بیست و چهارم: رعایت یکنواختی و یکسانی در قلم متن و نحوه بیان مطالب ← به عبارت دیگر، سعی شود مطالب کتاب‌ها و منابع مورد استفاده، از لحاظ قلم و بیان، یکپارچه‌سازی شود. نقل مطلب از کتب مختلف با ادبیات متفاوت، بدون یکسان‌سازی، زیبایی تحقیق را مخدوش می‌سازد.

اصل بیست و پنجم: در آوردن هر بحث و تدوین مطلب، توجه شود که در دفاعیه تحقیق، هم از آنچه آورده شده، می‌پرسند و هم از آنچه نیامده و باید می‌آمد. به این منظور، دقت در تعیین چارچوب موضوع و نیز تنظیم ساختار تحقیق، بایسته است. همچنین دقت و گزینش صحیح در نقل مطالب از منابع، ضروری است.

اصل بیست و ششم: اگر از آیه یا روایتی استفاده می‌شود که متن کامل آن نمی‌آید، به صورت نقطه‌چین در آغاز یا آخر یا بین آن مشخص شود. ترجمه آن هم با دقت بیاید. همچنین اگر در بحثی، چند آیه یا روایت می‌آید، پشت سرهم و بدون توضیح نباشد.

اصل بیست و هفتم: هر موضوعی را باید به منبع مرتبط (و تخصصی) آن ارجاع داد. مطلب فقهی به کتاب اخلاقی ارجاع نمی‌شود؛ چنان که روایت را به کتاب فقهی نمی‌توان ارجاع داد. معنای لغت را نیز باید به فرهنگ لغت زبان مربوط مستند کرد و در اصطلاح شناسی، باید به فرهنگ اصطلاحات رشته‌ی علمی مربوط، مراجعه کرد.

اجزاء تحقیق

* بعد از معرفی ارکان، به بیان اجزاء تحقیق می‌پردازیم و اصول کاربردی آنها را توضیح می‌دهیم:

۱- چکیده

چکیده، نمای مختصر، ولی جامع و کامل از متن تحقیق است، که اگر مخاطب تمایل به مطالعه همه متن تحقیق نداشت، با خواندن چکیده، متوجه شود که در متن به چه مطالبی پرداخته شده است. چکیده، محتوایی مشخص با ساختار معین دارد. چکیده، آخرین جزء تحقیق پایانی است که نوشته می‌شود، گر

چه اولین جزء در تحقیق است. حجم آن نیز باید منطبق بر آیین‌نامه (در حدّ یک ورقه A۴ - سیصد کلمه) باشد. چند اصل را باید در نوشتن چکیده رعایت کرد.

اصل بیست و هشتم: جملات چکیده، کوتاه بوده و انشایی نباشد. زمان جملات در چکیده، گذشته است.

اصل بیست و نهم: نقل قول مستقیم، اعم از آیه، روایت یا ... در چکیده نمی‌آید؛ بنابراین چکیده، ارجاع ندارد. مضمون قول دیگران را می‌توان نوشت.

اصل سی‌ام: الفاظ و کلمات مشابه و تکراری در چکیده نباشد. کل چکیده، یک پاراگراف باشد؛ بدون تورفتگی سطر اول.

اصل سی و یکم: واژگان کلیدی، در یک سطر و موازی سطر قبلی و در پایان متن چکیده می‌آید. حداقل آن سه و حداکثر آن یازده تا است.

اصل سی و دوم: واژگان کلیدی، معنای لغوی و اصطلاحی نمی‌خواهد. از عنوان تحقیق اخذ می‌شود، یا از کلماتی که در فهم معنای کلی تحقیق تأثیرگذارند.

اصل سی و سوم: در تدوین محتوای چکیده، در آغاز، مسأله تحقیق بیان می‌شود؛ مختصر و در حدّ یکی دو سطر. سپس اهم مطالب و یافته‌های تحقیق بیان می‌شود. بیان روش تحقیق (تحلیلی، تبیینی، توصیفی، تفسیری یا تأویلی) و نتیجه تحقیق نیز لازم است.

۲- فهرست مطالب

ساختار منظم، منسجم و منطقی تحقیق، خود را در فهرست مطالب نشان می‌دهد. مقالات علمی-تحقیقی، فهرست مطالب ندارد؛ بلکه پس از چکیده، در مقدمه آنها باید بیان مسأله و ضرورت و پیشینه تحقیق بیاید و بعد، ساختار تحقیق، توضیح داده شود.

اصل سی و چهارم: فهرست مطالب، راهنمای خواننده تحقیق برای استفاده کامل از متن است. بنابراین هرچه فهرست مطالب، کامل‌تر و تفصیلی باشد، امکان بهره‌مندی از آن بیشتر است.

اصل سی و پنجم: عناوین و شماره صفحات در فهرست مطالب، با عناوین و شماره صفحات در متن، باید یکسان باشد. لذا در آخرین نسخه آماده شده و

کامل تحقیق، باید فهرست مطالب از نظر عناوین و شماره صفحات، با متن، تطبیق داده شود.

۳- نتیجه

نتیجه، پاسخی جامع، کامل و دقیق به سؤال اصلی است. یعنی به همه ابعاد سؤال، جواب داده شود؛ پاسخ، نقص نداشته باشد و عبارات گویا باشد. نتیجه، بیان دستاورد تحقیق است برای کسانی که جوایز پاسخی هستند که محقق برای سؤال تحقیق به دست آورده است.

اصل سی و ششم: در نتیجه، روایت، آیه، مطلب جدید و قولی که در تحقیق نیامده، نباید بیاید. البته اگر مطلب جدید، همان یافته‌های تحقیق باشد، در نتیجه می‌آید.

اصل سی و هفتم: نتیجه، فصل مستقل نیست؛ بلکه در آخر تحقیق و قبل از فهرست منابع می‌آید.

اصل سی و هشتم: شایسته است محقق بعد از نتیجه، پیشنهادهای کاربردی خود را به دیگر محققان و نویسندگان ارائه دهد. منظور، پیشنهادهایی است که بر اساس نتیجه حاصل از تحقیق، مطرح می‌شود.

۴- فهرست منابع

بعد از متن تحقیق و نتیجه، فهرست منابع مورد استفاده در تحقیق می‌آید که در ارزیابی تحقیق، نقش قابل توجهی دارد و باید مواردی در آن رعایت شود:

اصل سی و نهم: قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، بدون شماره و مثلاً بعد از یک ستاره، با ذکر مشخصات به ویژه نام مترجم، در اول فهرست منابع می‌آید.

اصل چهلم: منابع فارسی و عربی باید از هم تفکیک شود؛ ابتدا کتب فارسی و بعد کتب عربی نوشته می‌شود.

اصل چهل و یکم: هر منبع به ترتیب الفبایی نام خانوادگی صاحب اثر می‌آید. نام آثار (کتب) باید کامل و طبق کتابنامه آن بیاید؛ مثلاً (المفردات فی غریب أَلْفَاظِ الْقُرْآن) یا (مجمع البیان فی تفسیر القرآن) یا (جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام) یا (سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار) یا (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل).

اصل چهل و دوم: القاب و عناوین صاحب اثر، حذف می‌شود، مگر اینکه نویسنده با آن لقب و عنوان، عَلم شده باشد، مانند: شیخ صدوق، شیخ مفید که

می‌توانند در حرف (ص) یا (م) بیابند و یا اولی در (الف): ابن بابویه قمی، محمد بن علی؛ و دومی در (ع): عکبری بغدادی، محمد بن نعمان.

اصل چهل و سوم: هر منبعی که مستقیماً در پاورقی به آن ارجاع داده شده است، باید در فهرست منابع بیاید، حتی اگر یک جمله از آن نقل شده است. اگر از منبعی، مطلبی نقل نشده و استفاده نشده است، می‌توان پس از فهرست منابع و در زیر عنوان (کتاب‌شناسی) آن را معرفی کرد.

اصل چهل و چهارم: چنانچه برای مراجعه به یک کتاب، از نرم‌افزارهای موضوعی و امثال آن استفاده شده، نام نرم‌افزار در فهرست منابع نمی‌آید؛ بلکه به کتابنامه آن کتاب مراجعه و مشخصات منبع و سند مطلبی که در تحقیق استفاده شده است، نوشته می‌شود.

اصل چهل و پنجم: در صورت مراجعه به سایت، همانند استناد به کتاب و مقالات عمل می‌شود و به جای مشخصات چاپ و نشر، نشانی دقیق سایت و تاریخ مراجعه به آن ذکر می‌شود.

اصل چهل و ششم: در نوشتن فهرست منابع، ترتیب منابع اینگونه رعایت شود: ۱- کتاب ۲- مقالات تخصصی. پایان‌نامه نیز مقاله تخصصی محسوب می‌شود. ۳- مقاله استفاده شده از مجله، روزنامه و سایت.

* دربارهٔ اجزاء دیگر تحقیق نیز چند اصل، شایان گفتن است:

اصل چهل و هفتم: در صفحات تمهیدیه، تقدیر، اهداء، اختصار رعایت شود. سعی شود تناسب مطالب آنها با متن و موضوع تحقیق حفظ شود.

اصل چهل و هشتم: اهداف و سؤال‌های تحقیق، نقاط مطلوب و مورد نظر محقق را در انجام کار علمی خود مشخص می‌سازند. لذا هدف کلی و سؤال اصلی، ناظر به عنوان اصلی تحقیق و پیرو آن، اهداف جزئی و سؤال‌های فرعی، ناظر به عناوین بخش‌ها و فصل‌های متن نوشته می‌شوند.

اصل چهل و نهم: ضرورت و فواید تحقیق، خاستگاه و نقطهٔ عطف و چرایی پژوهش را بیان می‌کند. دقت در بیان آنها (چه از منظر درونی و چه از منظر بیرونی) در تشخیص اِشراف علمی محقق، مؤثر است. همچنان که کاربردهای تحقیق را نیز برای دیگران روشن‌تر می‌سازد.

اصل پنجاهم: تقسیم تحقیق، به بخش یا فصل یا گفتار یا نوشتار، بر عهده استاد راهنما و خود محقق و البته طبق آیین‌نامه است. گرچه از لحاظ تعداد، حدّ اقل آن (غیر از کلیات تحقیق) دو تا است. یعنی کلّ تحقیق، سه بخش و مثلاً هر بخشی دو فصل، یا سه فصل و هر فصلی دو گفتار یا نوشتار.

تذکر این نکته، در پایان، لازم است: در هر نظام پژوهشی، آیین‌نامه‌ها و مقرّراتی وجود دارد که محقق، باید آنها را مورد توجه قرار داده، عملی سازد؛ پس رعایت اصول این نوشتار، به معنای نادیده گرفتن آن مقرّرات نیست.

حضرت آیت الله خامنه‌ای - مد ظله العالی :-

«تحقیقات و پژوهش‌های حوزه علمیه در مسائل فکری باید به گونه‌ای باشد که هدایت

دینی و جذب مردم را به سوی دین در پی داشته باشد.»

بازدید از نمایشگاه مرکز علمی، ۷۹/۷/۱۵